

بیوگرافی

افشین یداللهی را بهتر بشناسید

■ افشین یداللهی متولد دی‌ماه ۱۳۴۷ در اصفهان و بزرگ‌شده تهران است. وی دکتر روانپزشک (متخصص اعصاب و روان) است که با وجود علاقه به شعر و ترانه به رشته تحصیلی‌اش وفادار مانده و معالجه بیماران را در اولویت کاری‌اش قرار داده است. ترانه‌سرا شناخته‌شده کشورمان، کار حرفه‌ای را در سال ۱۳۷۶ با سرودن ترانه‌ای در باب شخصیت امام‌حسین(ع) شروع کرد که با آهنگسازی فواد حجازی و خوانندگی خشایار اعتمادی در ارکستر سازمان صداوسیما اجرا شد. کار دوم وی، ترانه «از فارس تا خزر» با آهنگسازی شادهمر عقیلی و خوانندگی خشایار اعتمادی اجرا شد.وی برای بسیاری از سریال‌های ماندگار تلویزیونی ترانه سروده، آخرین کارش ترانه تیتراژ سریال «تیریز در مه» است که ترانه آن توسط سالار عقیلی خوانده شد. وی همچنین با خوانندگان مطرح موسیقی ملی و پاپ در آلبوم‌های موزیک‌شان همکاری کرده است. مردم وی را با سرودن ترانه سریال «شب‌دهم» ساخته حسن فتحی که ۱۰ سال پیش از صداوسیما پخش شد، می‌شناسند.

بخشی از ترانه‌شناسی افشین یداللهی:

-ترانه تیتراژ سریال تیریز در مه از سالار عقیلی

-ترانه تیتراژ سریال مسیر زاینده‌رود از احسان خواجهمیری

-ترانه تیتراژ سریال کمربندها را ببندیم از فتحعلی لویسی

- ترانه تیتراژ سریال غریبانه از احسان خواجهمیری
-ترانه تیتراژ سریال میوه ممنوعه از احسان خواجهمیری

-ترانه تیتراژ سریال مدار صفر درجه از علیرضا قربانی

-ترانه تیتراژ سریال پول کنیفا از احسان خواجهمیری

-ترانه تیتراژ سریال شب‌دهم از علیرضا قربانی

و ترانه‌های برای آخرین‌بار، خیال تو، غریبانه، وقتی که نباشی و… از آلبوم «برای اولین‌بار» احسان خواجهمیری- ترانه‌های فال، تب تلخ، رفتن از آلبوم فصل تازه از احسان خواجهمیری

-ترانه‌های شانس، جدایی، تمومش کنیم، باور نمی‌کنم و… از آلبوم سلام آخر احسان خواجهمیری

-ترانه شب تاقاشی از آلبوم فقط نگه می‌کنم از حامی

-ترانه شب آفتابی از آلبوم نون و دلقک از محمد

اصفهلی

-ترانه طعنه از آلبوم طعنه خشایار اعتمادی

-ترانه با من خطر کن از آلبوم با من خطر کن علیرضا بلوری

و…

افشین یداللهی چند باری گفته که وقتی سال‌ها ترانه‌هایت را بی‌اجازه زمزمه می‌کنند آن وقت اجازه داری خود را ترانه‌سرا بنامی. وی ترانه‌سرایی را کار سهل و ممتنع می‌داند که هر کسی حتی شاعر باشد، می‌تواند ترانه‌سرا باشد اما برای ترانه‌سرا بودن، شاعر بودن لازم است ولی کافی نیست. وی در مورد ماندگاری ترانه عقیده دارد که ترانه‌های جدید ماندگاری‌شان نسبت به قبل کم شده که البته ماندگاری را در همه زمینه‌ها کم می‌داند. او می‌گوید: «همانطور که در زمینه سناها، سینما، ورزش و… مقایسه کنید دیگر مثل قدیم اش‌پاش‌ماندگار نمی‌شود، چراکه عصر حاضر ما عصر ماندگاری نیست». افشین یداللهی در مورد ترانه‌های وارداتی معتقد است: «ترانه‌های وارداتی مانند ترانه‌های داخل که هم کارهای قوی دارد و هم ضعیف، هستند. ترانه خوب ترانه‌ای نیست که خیلی جدی و سنگین و رنگین باشد». یکی از موارد مصرف شنیدن ترانه اینکه ما می‌خواهیم فقط برای انرژی گرفتن و شاد شدن یک ترانه را گوش کنیم یا هنگام مسافرت در ماشین و نمی‌خواهیم تفکر و تاملی در آن داشته باشیم. ترانه‌ای که اصول خودش را رعایت کرده و سالم باشد از نظر من می‌تواند ترانه خوبی باشد.

خانه ترانه

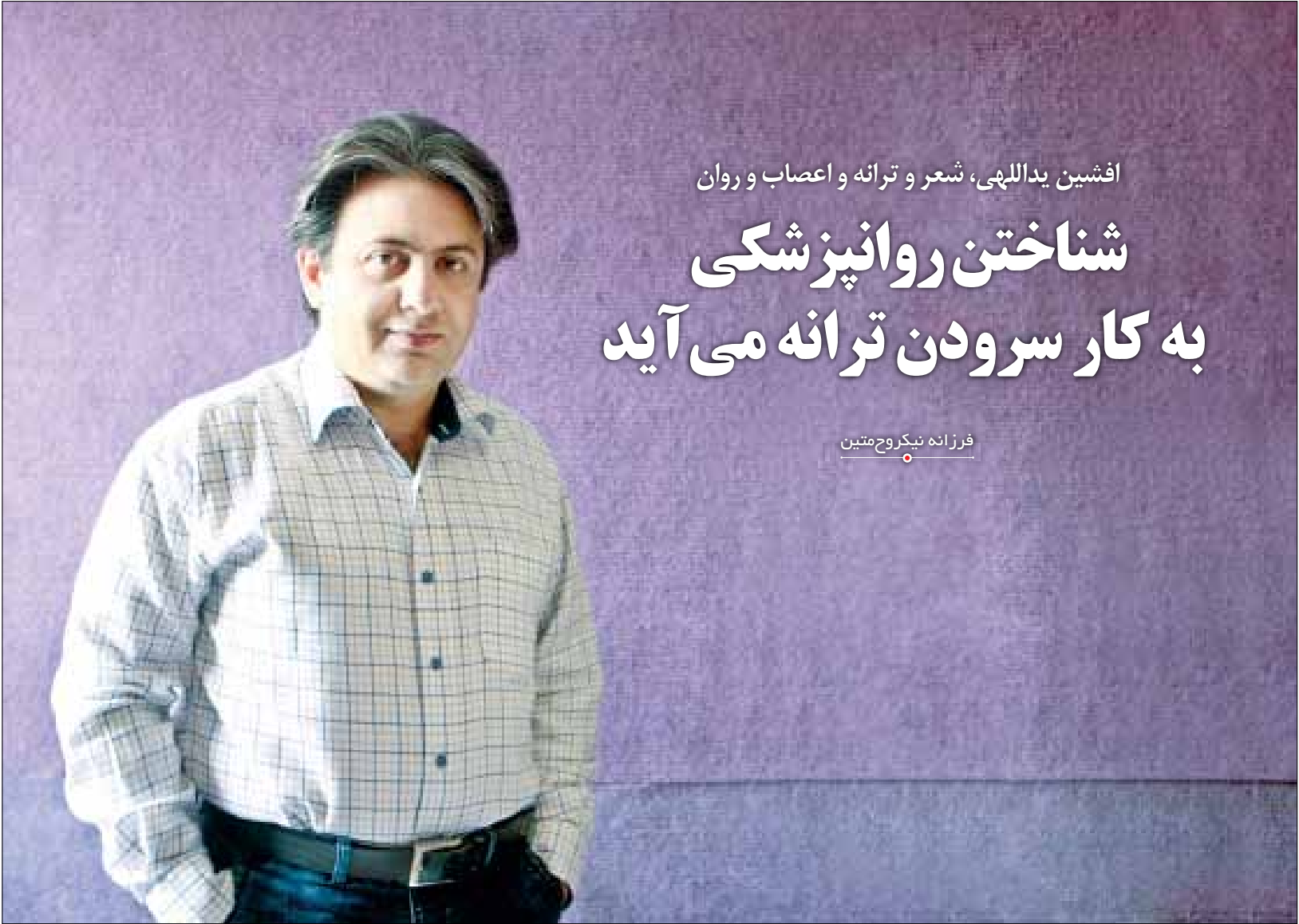
افشین یداللهی، در سال ۱۳۸۰ با همکاری یغما گلرویی، سعید امیراصلایی، عباس سجادی، محمدرضا حبیبی، افشین سیاهپوش، نیلوفر لاری و… جلسانی را تحت عنوان خانه ترانه به صورت مستقل و وابسته به هیچ ارگانی راه‌اندازی کرد. ابتدا این جلسات در محافل دوستانه به صورت دوره‌ای بر برگزار می‌شد که به خواندن ترانه، نقد ترانه و جلسات کارگاهی می‌گشت و به تدریج با هماهنگی‌هایی جلسات خانه ترانه به فرهنگسرای قانون منتقل شد و به علت افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در جلسات در سال آتی تئاتر فرهنگسرا برگزار شد. اما بهترین جلسات خانه ترانه از نظر کیفیت و کمیت در فرهنگسرای شفق برگزار شد است تا جایی که آهنگسازان مشهوری چون بابک بیات، داریوش تفتی‌پور در آنجا حضور پیدا کردند که فرهنگسرا بعد از مدتی به دلایل نامعولی همکاری‌اش را با خانه ترانه قطع کرد و خانه ترانه، ۹ ماه در خاموشی به سر برد تا اینکه دوباره جلسات در سالن آمفی تئاتر بیمارستان امام‌خیمینی(ره) برگزار شد و بعد به ترتیب دوباره به فرهنگسرای شفق، دانشجو و… رفت و در حال حاضر در مرکز همایش‌های شهید قندی در خیابان شریعتی برپا می‌شود.

افشین یداللهی هدف از گردهمایی خانه ترانه را این‌گونه عنوان می‌کند: «هیچ‌گاه تا حد جدی گرفته‌نشده، نقد و بررسی انجام داده نشده، ما می‌خواستیم بچه‌های علاقه‌مند و ترانه‌سراها دور هم جمع شوند، ترانه‌ها را بشنوند و از تجربیات دیگران استفاده کنند و در واقع به گردهمایی برای تبادل نظر بین ترانه‌سرایان تبدیل شود و خوانندگان و آهنگسازان بتوانند بدون واسطه از خود شخص ترانه‌سرا، ترانه‌ای را که علاقه‌مند هستند، بگیرند» او معتقد است ترانه هنری است که شاید خیلی‌ها بدون هیچ‌گونه تخصصی نتوانند آن را انجام دهند و موفق باشند یا نباشند. متأسفانه اشکال از اختلاف نظر و رسیدن به حاشیه‌ها و دوری از ترانه و پیشرفت ترانه است. وی حاشیه‌ها را خانه‌کنیاری، زیرآب زدن و پشت سر دیگران حرف زدن می‌داند.

افشین یداللهی، شعر و ترانه و اعصاب و روان

شناختن روانپزشکی به کار سرودن ترانه می‌آید

فرزانه بیکروحتین



عکس: مهدی حسینی‌شرق

قربانی و افشین یداللهی جایشان خیلی خالی است؟ کار ما سه نفر آن‌طور که از بازخوردهایش متوجه شدیم، بسیار موفق بوده و امکانش هست که از این اتفاقات خوب باز هم تکرار شود. در حال حاضر من با همایون شجریان و فردین خلعتیری یک جمع سه‌نفره را تشکیل داده‌ایم که کارمان مرحله آهنگسازی‌اش را طی می‌کند.

■ شما برای ضبط کارهایتان که توسط خواننده‌ها اجرا می‌شود، به استودیو می‌روید؟
بله، من سر ضبط کارهایم می‌روم البته نه همه را بلکه برخی را، چراکه باید بیان، تلفظ، وضوح کلام درست صورت گیرد.

■ آیا ترانه‌سرا در انتخاب خواننده دخیل است یا خواننده در انتخاب ترانه‌سرا؟

آن موردی که در اینجا رایج‌تر است، این است که خواننده در انتخاب ترانه‌سرا دخیل است. اما اگر ترانه‌سرا جایگاه و شیوه کاری داشته باشد، این قدرت تصمیم‌گیری را هم دارد که کدام ترانه را به کدام خواننده بدهد؛ البته بعد از خواننده، آهنگساز هم نقش بسیار مهمی دارد. هر سه رکن شاعر، خواننده و آهنگساز به یک ترتیب مهم هستند.

■ شما فکر می‌کنید در انتخاب ترانه‌ایتان، کیفیت ترانه بیشتر مدنظر بوده یا معروفیت خودتان؟

اسم شخص و معروفیت به ساقیه کار و رزومه‌ای که دارد برمی‌گردد و این رزومه کاری طرف است که باعث معروفیتش می‌شود.

■ شما با خواننده‌های زیادی همکاری کرده‌اید، از خشایار اعتمادی گرفته و اخیرا همایون شجریان، کدامیک از خواننده‌هایی که با آنها کار کرده‌اید، در ماندگاری ترانه‌تان تأثیرگذارتر بوده‌اند؟

اولیل شروع کارم با خشایار اعتمادی همکاری کردم که در آن زمان، اعتمادی معروف‌ترین و محبوب‌ترین چهره موسیقی پاپ بود که در ادامه با آقایان علیرضا قربانی و احسان خواجهمیری کار کردم. فکر می‌کنم این شروع خوب باعث شد تا این ترانه‌ها ماندگار شود.

■ بهترین کاری که از شما شنیده‌شده، به نظر مخاطبان‌تان کدامیک بوده است؟
اسم بهترین کارم را نمی‌توانم بگویم اما ترانه مدار صفردرجه بازخوردش نسبت به سایر ترانه‌ها بسیار زیاد بود که بعد از آن شب‌دهم و میوه ممنوعه بوده است.

■ امروزه دستمزد ترانه‌ها چگونه حساب می‌شود؟
ترانه‌ها، قیمت‌های متفاوتی دارد؛ از ۳۰۰ هزار تومان شروع می‌شود تا یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار و دومیلیون تومان.

■ اما من در مورد ترانه‌های میلیون‌تومانی هم شنیده‌بودم!
نه، این رقم‌ها نیست. یکی از موارد قابل بحث این است که گاهی ترانه‌سراهای خوب‌مان، ترانه‌ها را به‌صورت مجانی به خوانندگان و آگاهرا می‌کنند که بیشتر خواننده‌های آن‌طرف مرز هستند که باعث شده فضای رقابت را مخدوش کنند و این رقابت حرفه‌ای نیست. یک عده ترانه‌سرا هستند که چون جدیدا کارشان را شروع کرده‌اند، یکی، دو تا کار به طور مجانی می‌دهند اما اینکه ترانه‌سراهای سابقه‌ای این کار را انجام می‌دهند، جای تاسف دارد.

■ چرا این کار را می‌کنند؟

آنها ترانه‌هایشان را به طور مجانی به خوانندگان آن طرف مرز می‌دهند که بگویند ما با فالتی همکاری کردیم و یک اعتبار برای خودشان شود که از داخل بابت ترانه‌هایشان، دستمزد بالایی را دریافت کنند که از اخلاق حرفه‌ای دور است و باعث پایین آمدن ارزش ترانه می‌شود.

■ از خانه ترانه بگویید؛ اینکه تا چه حد توانسته در زمینه ترانه و ترانه‌سرایان موفق باشد؟

خانه ترانه بیش از ۱۰ سال است که فعالیت می‌کند و به‌عنوان اولین جلسه و گردهمایی نقد ترانه در ایران به کارش ادامه داده و خیلی از ترانه‌سراهای معروف امروزه از خانه ترانه کارشان را شروع کرده‌اند که البته به برخی از آنها این مساله را قبول دارند و برخی دیگر قبول ندارد. خانه ترانه به عنوان

نخستین کارگاه ترانه در کل کشور شناخته شده است.

■ آیا خانه ترانه توانسته ترانه‌سراهای خاصی را بسازد؟
بله، همان‌طور که عرض کردم بوده و این روند کم‌اگان ادامه دارد. مطمئن باشید در یکی، دو سال آینده ترانه‌سراهای خوبی را خواهیم شناخت که عضو خانه ترانه هستند. در واقع نسل بعدی ترانه‌سراهای معروف از خانه‌ترانه هستند.

■ چرا خانه‌ترانه از زمان تاسیس‌اش تا به امروز در حال تغییر مکان است؟ یک روز در فرهنگسرای شفق، یک روز در کانون ادبیات و امروزه در همایش‌های شهید قندی؟
برای اینکه هیچ نوع حمایت نظام‌مندی از خانه ترانه نمی‌شود. خانه ترانه مستقل است. در برخی از مقاطع برخی از افراد با ما همکاری و ناگهان همکاری‌شان را با قطع می‌کنند و به طبع ما هم به جای دیگری نقل مکان می‌کنیم. تا آخر تیرماه، خانه ترانه در مرکز همایش‌های شهید قندی روزهای پنجشنبه از ساعت دو تا پنج بعدازظهر تشکیل می‌شود که به احتمال قوی از مردادماه به یک مکان دیگر انتقال یابد.

■ چرا تعداد ترانه‌سراهای خوب در کشورمان کم است؟
ترانه‌سرای خوب کم نداریم اما از آنها زیاد استفاده نمی‌شود، چراکه امروزه ترانه‌های چندلایه با قابلیت ماندگاری بیشتر در بازار خواهان کمی دارد. یعنی بازار این نوع ترانه‌ها را کمتر می‌پسند.

■ شما در مورد ترانه در صداوسیما جای خالی برنامه‌هایی مثل شب‌شیشه‌ای را حس نمی‌کنید؟

چرا فقدانش مشهود است. متأسفانه امروزه در زمینه شعر و ترانه هیچ نوع برنامه خاصی نیست. ما برنامه ۹۰ و هفت را داریم که مورد استقبال بسیاری قرار گرفته؛ همچنین جدیدا هم برنامه‌ای برای تئاتر راه‌اندازی شده ولی در زمینه موسیقی، شعر و ترانه نه.

■ از حضور تان در شب‌شیشه‌ای بگویید؟
برنامه خیلی خوبی بودم یادم هست که هم‌زمان با برنامه من، یکی از شبکه‌ها فوتبال بخشی می‌کرد با این حال آمر بینندگان برنامه ما بسیار بالا بود. با وجود چهره‌های فراوان و مشهوری که میهمان این برنامه بودند، برنامه من اگر اشتباه نکنم در رتبه سوم یا چهارم قرار گرفت و این نشان از علاقه مردم به ترانه است.

■ انتقادهای بسیاری از سوی روان‌شناسان در مورد سریال ساختمان پزشکان شده، نظر شما درباره این سریال و نیما افشار چیست؟

بله، خیلی از همکارها مخالف این برنامه هستند ولی ما باید ظرفیت طنز را در جامعه افزایش دهیم و اگر شوخی و طنز روی یک شغلی است، نباید همگان و شاغلان آن رشته، فکر کنند که آن شغل، شغل غیرجدی است. مثلاً اگر در برنامه‌ای طنز، با شغل خلبانی شوخی کنیم، آیا این به این معناست که خلبانی شغلی خنده‌دار و غیرجدی است؟ متأسفانه این نوع مخالف‌ها بسیار بوده از فیلم سینمایی شوکران و شغل پرستاری گرفته تا آقای شمشت‌چی کارمند پست در سریال مرد هزارچهره و… . این طرز تفکر، تک‌بعدی است که عمومیت یافته است.

اگر بخواهیم ظرفیت طنز را در جامعه بالا ببریم، تنها نباید با شغل‌های خصوصی و آزاد این شوخی را کرد، بلکه می‌توان با بسیاری از شغل‌های دولتی نیز شوخی کرد که دست‌اندرکاران و فیلمسازان باید به این جنبه هم بپردازند.

■ بیماران‌تان شما را به عنوان ترانه‌سرا می‌شناسند؟
عده‌ای می‌شناسند و عده دیگر فکر می‌کنند افشین یداللهی با دکتر افشین یداللهی دو فرد متفاوتند که در مراجعه‌های آتی متوجه‌می‌شوند.

■ شما دکتر افشین یداللهی هستیید یا افشین یداللهی خالی؟

بستگی به موقعیت‌م دارد. مثلاً وقتی می‌خواهم وارد بیمارستان شوم، مثل پارکینگ بیمارستان خودم را دکتر افشین یداللهی معرفی می‌کنم که بیشتر در حیطه پزشکی است اما در جاهای دیگر نه، همان افشین یداللهی هستم.

■ آیا به این عبارت آرامش‌بخش که از یک تا ۱۰ بشمار تا عصبانیت‌تان فروکش کند، اعتقاد دارید؟
در برخی از شرایط بله، ولی اگر قرار بود که همه و در

من و ترانه‌هایم

■ چقدر افشین یداللهی شعرها و ترانه‌هایتان‌هستید؟

معمولا وقایعی که در زندگی شخصی خود و اطرافیانم رخ می‌دهد و حال و هوایی که بر جامعه حاکم است را به شعر و ترانه تبدیل می‌کنم و با موضوع و مضمون شعرهایم بیگانه نیستم. البته بعضی وقت‌ها هم ممکن است شعرها از من جلوتر باشند و بعد از مدتی به آنها برسم.

■ کنایه «الشاعر کالمجنون» واقبول دارید؟

من هم با مجنونش سروکار دارم و هم شاعرم (می‌خندد) شاید این به نوع نگاه شاعران برمی‌گردد که گاهی متفاوت با آنچه صرفا عقل ظاهری و سطحی حکم می‌کند به موضوعات می‌نگرند. به هر حال احساس عمیقی که بعضی اوقات به برخی از شعرا حکم‌فرما می‌شود، عقل را تا حدی کمرنگ جلوه می‌دهد و چنین تلقی‌ای را به وجود می‌آورد.

■ این اشراف بر خودتان هم حکم‌فرماست؟
تنها چیزی که هیچ‌کس بابت نحوه تقسیمش از خدا شکایت ندارد، عقل است. همه مدعی عقلمند اما عقل هیچ‌کس به کمال نرسیده است. من هم می‌توانم درباره خودم قضاوت کنم.

■ با این همه در ترانه‌هایی که برای سریال‌های مختلف می‌سرایید، بیشتر مجنون و عاشقید یا عاقل؟

تلفیقی از این دو تا. قبلا هم در ترانه سریال شب‌دهم گفته‌ام «مرز در عقل و جنون باریک است» و تا حدی به این موضوع اعتقاد دارم که هر کسی در یک لحظه می‌تواند به آن سوی مرز برسد و برگردد ولی به هر حال من در ترانه‌ها، مجموعه‌ای از ذهنیاتم را متناسب با قضا و موضوع سریال مطرح می‌کنم، و معمولا در همه آنها رنگ‌های از عشق دیده می‌شود.

■ افشین یداللهی، این رفت و برگشت

مرزی با جنون آتی را تجربه کرده است؟
ما در روانپزشکی از کلمه جنون استفاده نمی‌کنیم و اصطلاح علمی Psychosis را به کار می‌بریم. در هر حال به این معنا نه، اما هر کسی در زندگی‌اش دیوانگی‌هایی دارد، البته دیوانگی با دیوانه بودن متفاوت است و من چیزی نمی‌دانم از این دیوانگی و عاقلی.

■ نان شاعری را می‌خورید؟

نان شاعری را هم می‌خوریم اما نه به نرخ روز.

■ خب این نرخ روز چقدر است؟
مبلغ مشخصی نیست.

■ می‌گویند ترانه‌سراها بر خلاف شاعران، به اندازه سخاوت واسطه یا سفارش‌دهنده در خلق اثرشان ذوق خرج می‌کنند. شما هم این‌گونه‌اید؟

به اندازه‌ای که ذوق داشته باشم، خرج می‌کنم و منتهی هم بر سر سفارش‌دهنده نمی‌گذارم، چون کارم را ارزشمند می‌دانم. فکر می‌کنم حتی اگر از باب سیاست کاری و حرفه‌ای هم بخواهیم به قضیه نگاه کنیم، باز درست‌ترین و بهترین تصمیم این است که هر کس هر چه جاشغول است، حداکثر توانش را بگذارد زیرا در درجه اول منجر به رشد و اعتبار بیشتر خودش می‌شود. من نیز ابتدا به خاطر علاقه‌ای که به شعر و ترانه دارم و سپس برای حفظ حداکثر اعتبار و تداوم حضورم در این مسیر هنری، همین کار را انجام می‌دهم و اگر هم ترانه‌ای در حد انتظار نباشد، اصلا برای اجرا، ارایه نمی‌کنم. البته این را هم فراموش نکنید که همه کارهای تولید شده در یک سطح نیستند و شاعر معمولا کارها را متناسب با نوع و توان اجرای خواننده انتخاب و عرضه می‌کند.

■ گرانفروشی که نمی‌کنید؟

من زیساد پرکار نیستم و اصراری به حضور پر تعداد ندارم و اعتقادم این است که ترانه نباید لزوما ارزان باشد، چون قدر کار باید دانسته شود. به هر حال یک قسمت از جایگاه و اعتبار هر کاری هزینه‌ای است که دیگران حاضر می‌شوند برای به دست آوردنش پرداخت کنند. پول یکی از شرایط کار حرفه‌ای است و من نیز شاید از آن قاعده و قانون پرداختی که وجود دارد، پایین‌تر نیایم، اما قطعلا معیار و اولویت اصلی‌ام این نیست و حتی ممکن است در موارد استثنایی و خاص مثل کمک به خیریه و… کارم را با بهای بسیار پایین با رایگان ارایه بدهم. در مقابل هم امکان دارد کسی بخواهد همان مبلغ یا حتی چند برابرش را بدهد ولی بقیه شرایط را نداشته باشد که نمی‌پذیرم.

